

## سبک‌های تاریخ‌نگاری معاصر

یعقوب توکلی:

محقق و پژوهشگر تاریخ، مدرس دانشگاه

### چکیده:

دانستن ویژگی‌های سبک تاریخ‌نگاشته‌ها هم برای پژوهنده و هم برای خواننده تاریخ انقلاب اسلامی ضروری و بایسته است. اغلب از تقسیم‌بندی تاریخ‌نگاری به نقلی و تحلیلی مطلع هستیم، اما شاید مرزبندی دقیق بین شاخه‌ها و فروع این دو شاخه عمده تاریخ‌نگاری را ندانیم. یکی از عواملی که باعث افزوده شدن بر روش‌های تاریخ‌نگاری نقلی شد، پیشرفت‌های فنی و اختراع وسایل سمعی و بصری بود. دوربین عکاسی و فیلمبرداری، ضبط صوت، میکرو فیلم و... شیوه‌های ثبت تاریخ را دقیق‌تر و گسترده‌تر نمودند و اکنون می‌توان منابع تاریخی زیادی را در زمره محصولات این وسائل جدید جست‌وجو کرد. اما در این میان آنچه مهم است، بازشناسی سبک‌های صوری و فرمی این منابع تاریخی و درک ارزش استنادی این منابع در خصوص بررسی وقایع مرتبط با انقلاب اسلامی می‌باشد که در نوشتار زیر مورد بحث و تفصیل قرار می‌گیرد.

**کلید واژه:** تاریخ‌نگاری، خاطره‌نگاری، یادداشت‌نویسی، تک‌نگاری، روزشمار نویسی

### پیش در آمد:

تنوع گسترده‌ای از صورت و فرم در تاریخ‌نگاشته‌های دوره معاصر بروز کرده است که در تاریخ‌نگاری گذشته ایران وجود نداشت. این تنوع و چندگانگی، از شرایط جدید تمدنی، گوناگونی نظریات و دیدگاه‌ها و نیز از تکثر راویان و منابع تاریخی ناشی می‌شود. علاوه بر این، در تاریخ‌نگاری گذشته، جز پاره‌ای موارد معدود که مورخ موفق می‌شد اسناد مکتوب اداری و سازمانی را به عنوان سند مورد استفاده قرار دهد، در اغلب موارد از روایت‌هایی که مورخان پیشین آنها را به صورت کتاب در آورده بودند، به عنوان سند و مرجع معتبر استفاده می‌شد؛ اما امروزه عواملی چون؛ فراهم شدن امکان استفاده از انبوه

اسناد مرتبط با یک پدیده، پروژه‌های خاطرات شفاهی و نیز خاطره‌نگاری‌های مکتوب از سوی افراد و عناصر مرتبط با جریان‌های تاریخی، جریان تاریخ‌نگاری را به کلی متحول کرده‌اند. گذشته از همه اینها، بر خلاف گذشته که سند تصویری، فقط شامل صورت پردازی و یا عکس (پس از اختراع چاپ) می‌شد، امروزه، فیلم و تصویر متحرک، به منابع اساسی تاریخ‌نگاری تبدیل شده‌اند. این تنوع در منابع، زایش انواع مختلفی از سبک‌های تاریخ‌نگاری را به دنبال داشته است و هر کدام از این سبک‌ها در نوع خود حائز اهمیت بسیار هستند. جالب آنکه تنوع در دیدگاه‌ها، چندان در تنوع روش و سبک صوری تاریخ‌نگاری تأثیر جدی نداشته است؛ بدین معنا که اغلب دیدگاه‌های متفاوت، از شیوه‌ها و سبک‌های یکسانی بهره می‌برند و لذا باید گفت آنچه بیش از هر چیز باعث ایجاد این تکثرات شکلی و صوری می‌شود، شرایط جدید تمدنی است. بی‌اطلاعی از سبک‌های فرمی و صوری و یا بازشناسی، تفکیک و مرزبندی نکردن آنها، باعث خواهد شد خواننده، محقق و یا دانش پژوه عرصه تاریخ در تشخیص ارزش استنادی منابع با مشکل مواجه شود؛ به ویژه در خصوص تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی، ضرورت توجه به این مسئله بسیار حیاتی است؛ چرا که در ارتباط با تاریخ معاصر ایران و نیز درباره انقلاب اسلامی ایران تاکنون - به ویژه پس از پیروزی انقلاب - آثار فراوانی به رشته تحریر در آمده است که به لحاظ شکل، فرم و سبک بسیار متنوع هستند. از این رو در این فصل دوازده گرایش و دیدگاه تاریخ‌نگاری نقلی را احصا و طبقه‌بندی کرده ایم که کاملاً از هم قابل تفکیک و متمایزند.

تنوعی که ذکر آن رفت، امروز به یک معضل در تاریخ‌خوانی، تاریخ پژوهی و تاریخ‌نگاری تبدیل شده و بسیاری از خوانندگان و پژوهشگران و نویسندگان را در ورطه اعتماد به منابع فاقد ارزش و افسانه‌های تاریخی مندرج در متون رسمی و معتبر یا دانشنامه‌ای انداخته است. برای رهایی از این امواج متنوع، درهم تنیده و پیچیده تاریخ‌نگاری، پیش از هر چیز و قبل از آنکه وارد مباحث تاریخی و نقد آنها شویم، لازم است به بازشناسی و تفکیک دقیق فرم‌ها و شیوه‌های گوناگون تاریخ‌نگاری بپردازیم.

لازم به ذکر است، آنچه از تقسیم‌بندی شیوه‌ها و صورت‌های مختلف تاریخ‌نگاری معاصر ایران بیان می‌شود، ابتکار و ایده مؤلف است و لذا به تقسیم‌بندی‌های موجود در متون دیگر استناد و ارجاع داده نخواهد شد.

از گذشته، فرم، صورت و شیوه‌های تاریخ‌نگاری را به دو حوزه اساسی و کلی تقسیم می‌کردند: ۱- تاریخ‌نگاری نقلی؛ ۲- تاریخ‌نگاری تحلیلی. مثلاً در حوزه تاریخ اسلام، سیره ابن هشام، تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی و تاریخ پیامبر اسلام نوشته محمد ابراهیم آیتی را می‌توان در زمره تاریخ‌نگاری نقلی به حساب آورد؛ اما تاریخ تشیع نوشته رسول جعفریان، فروغ ابدیت نوشته جعفر سبحانی، زندگانی امام حسین (ع) نوشته سید جعفر

شهیدی و تشیع در مسیر تاریخ نوشته سید حسین جعفری، به لحاظ قالب و فرم در ردیف تاریخ نگاری تحلیلی قرار می‌گیرند.

در چهارچوب این فرم کلی، می‌توان گونه‌های مختلف تاریخ نگاری را بر شمرد. تاریخ نگاری نقلی دوره جدید و انقلاب اسلامی، در اشکال و شیوه‌های بسیار متنوعی بروز و ظهور نموده است که بخشی از فرم آن در گذشته تاریخ نگاری ایران، سابقه طولانی دارد و بخش قابل توجه دیگر این فرم، از ابداعات دوره معاصر و حتی مربوط به دوره پس از انقلاب اسلامی است.

در ابتدا باید گفت، در تاریخ نگاری معاصر ایران، شیوه‌ها و صورت‌های مختلفی داریم که در هر یک از شیوه‌ها، آثار متعددی نیز نشر یافته است. محققان و پژوهشگران آثار تاریخی، قبل از کنکاش و تحقیق در این آثار ابتدا باید به صورت‌های تاریخ نگاری واقف گردند، تا در ارجاع و بهره‌گیری از آنها دچار خطا نشوند و بدون بازشناسی این شیوه‌ها و صورت بندی‌ها، شناخت و بهره‌گیری کامل و صحیح ممکن نخواهد بود. شیوه‌ها و اشکال متعددی در تاریخ نگاری نقلی و تحلیلی مطرح است که عمده‌ترین شیوه‌ها و صورت‌ها عبارتند از:

#### الف: تاریخ نگاری نقلی

۱. گزارش نویسی؛

۲. روز شمار تاریخی، که خود به روز شمار تلخیصی و تفصیلی تقسیم می‌شود؛

۳. خاطره نگاری، که به شکل خاطره نگاری شفاهی و مکتوب مطرح است و خاطره نگاری

شفاهی به صورت‌ها و شیوه‌های خام، ویرایشی، تدوینی و تلفیقی تقسیم می‌گردد.

#### ب: تاریخ نگاری تحلیلی

۱. تحقیقی؛

۲. اسنادی؛

۳. فرهنگ نامه‌ای.

در کنار اینها باید شیوه تاریخ نگاری داستانی را نیز اضافه نمود.

بعد از وقوف بر شیوه‌ها و اشکال تاریخ نگاری معاصر، گام بعدی آشنایی با مراکز و سبک‌های تاریخ نگاری معاصر است که به محققان کمک می‌کند تا مراکز و جریان‌های معتبر را از منابع و جریان‌های غیر معتبر بازشناسند و میزان اعتبار هر یک را بسنجند.

#### ۱- گزارش نویسی

گزارش نویسی در تاریخ نگاری معاصر شامل موارد زیر می‌شود:

الف: گزارش نویسی تاریخی: به نگارش قضایای تاریخی به صورت گزارش و شرح ماوقع حوادث، گزارش نویسی تاریخی اطلاق می‌شود. این سبک از گزارش نویسی، ممکن است در سه قالب سیر تاریخی، موضوعی و شخصی صورت گیرد.

در خصوص گزارش نویسی نوع اول یا گزارش نویسی سیر تاریخی، می‌توان به کتاب‌های تاریخ سیاسی معاصر نوشته جلال‌الدین مدنی<sup>۱</sup> و تاریخ بیست و پنج ساله نوشته سرهنگ غلامرضا نجاتی<sup>۲</sup> و از کتب قبل از انقلاب می‌توان به کتاب‌های مأموریت برای وطن نوشته محمد رضا پهلوی - اگرچه در انتساب این کتاب به محمدرضا پهلوی تردید جدی وجود دارد<sup>۳</sup> - ایران در عصر رضا شاه نوشته الوین ساتن<sup>۴</sup> و کتاب عظمت بازیافته<sup>۵</sup> اشاره نمود.

ب: گزارش نویسی موضوعی: گزارش و اثری است که پیرامون یک حادثه و یا یک موضوع مشخص به نقل حوادث و وقایع می‌پردازد. مثلاً کتاب کشف حجاب و قیام گوهرشاد، نوشته کوهستانی نژاد، به شرح ماجرای حرکت مردم مسلمان در برابر سیاست کشف حجاب رژیم پهلوی و قیام آنها در مسجد گوهرشاد به رهبری شیخ محمد تقی بهلول می‌پردازد. زندانیان اراک نوشته نورالله لارودی<sup>۶</sup>، قیام افسران خراسان نوشته ابوالحسن تفرشیان<sup>۷</sup>، سازمان نظامی حزب توده نوشته محمد حسین خسرو پناه<sup>۸</sup>، قیام تنباکو نوشته ابراهیم تیموری<sup>۹</sup> و ماجرای کودتای سرلشگر قرنی نوشته مارک گازویورسکی و ترجمه سرهنگ غلامرضا نجاتی، کودتای نوژه مؤسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی و ناشناخته عبدالله شهبازی<sup>۱۰</sup> از جمله گزارش‌های تاریخی هستند که به صورت موضوعی نوشته شده‌اند.

ج: گزارش نویسی شخصیتی: گزارشی است که پیرامون زندگی و شخصیت یک فرد و یا افراد برجسته نوشته می‌شود؛ از جمله آثار مربوط عبارتند از: حدیث بیداری نوشته حمید انصاری<sup>۱۱</sup> - این کتاب درباره زندگی امام خمینی است - زندگی و مبارزات آیت الله حاج آقا نورالله اصفهانی نوشته موسی نجفی، زندگینامه سپهبد شهید محمد ولی قرنی نوشته یعقوب توکلی، معمای هویدا نوشته عباس میلانی و... کتاب‌هایی که طی سال‌های اخیر درباره رهبران و شهدای انقلاب و دفاع مقدس و یا شخصیت‌های عصر پهلوی نوشته شده‌اند نیز از جمله این دسته از آثار هستند و در عرف اصحاب قلم و تاریخ به تک نگاری شهرت دارند.

## ۲- روز شمار تاریخی

روزشمار تاریخی به سبکی گفته می‌شود که در آن نویسنده حوادث تاریخی را براساس سیر روزانه وقایع می‌نویسد، البته ممکن است حوادث و روزها پیوسته نباشند و میان آن‌ها فاصله باشد. این شیوه به صورت‌های مختلفی نگاشته شده است:

الف: روز شمار تلخیصی: روز شمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب نوشته باقر عاقلی<sup>۱۲</sup>، روزشمار هفت هزار روز نوشته غلامرضا کرباسچی<sup>۱۳</sup> و روزشمار تاریخ روابط ایران و امریکا نوشته دفتر مطالعات وزارت امور خارجه، از کتاب‌هایی هستند که به طور خلاصه و در حد ارائه یک گزارش یک یا دو جمله‌ای، به گزارش وثیت وقایع و حوادث روزانه اقدام نموده‌اند. این نوع روزشمار تاریخی، نزد محققان تاریخ از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است اما متأسفانه در تاریخ نگاری ایران به این نوع از تاریخ نویسی کمتر توجه شده است.

ب: روزشمار تفصیلی: روز شمار تفصیلی، روزشماری است که به طور مفصل - فراتر از چند جمله - به شرح حوادث روزانه یک دوره تاریخی می پردازد. این سبک روزشمار نویسی، مدل دیگری از تاریخ نگاری نقلی در تاریخ معاصر ایران به حساب می آید. در این شیوه تاریخ نگاری، به جای اینکه یک واقعه را در حد چند عبارت کوتاه یا چند جمله گزارش و روایت کنند، به نگارش و شرح کلیه حوادث مرتبط با آن حادثه یا روز واقعه به صورت مبسوط می پردازند. به عنوان مثال در خصوص حادثه نوزدهم دی ۱۳۵۶، روزشمار انقلاب اسلامی نوشته شده در دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری<sup>۱۴</sup>، نمونه بسیار مناسبی به شمار می رود. این کتاب نمونه کامل یک تاریخ نگاری روزشمار تفصیلی است. همچنین کتاب روزشمار جنگ، تهیه شده توسط مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ<sup>۱۵</sup>، نمونه ای دیگر از این شیوه می باشد. نمونه ای دیگر از این نوع، روزشمار اسناد لانه جاسوسی است که اسناد وقایع دوران تصرف سفارت امریکا و ایام در اختیار داشتن گروگان‌های امریکایی توسط دانشجویان پیرو خط امام را بر اساس روزشمار تنظیم کرده است.<sup>۱۶</sup> روزشمار نویسی خود به دو زیر شاخه عام و موضوعی تقسیم می شود. در روزشمار نویسی عام، همه حوادث تاریخی واقع شده در یک دوره ذکر می شوند و سالنامه‌های منتشر شده از سوی مؤسسه ایران، از این نوع هستند. برای روزشمار موضوعی، می توان به کتاب روزشمار روابط ایران و امریکا اشاره کرد.<sup>۱۷</sup>

ج: سال شمار نویسی: سال شمار تاریخی، عموماً در دوره‌های تاریخی طولانی مدت و اغلب بدون اعمال دقت، به طور روزانه تنظیم می شود. در ارتباط با تاریخ نگاری انقلاب اسلامی و نیز تاریخ معاصر ایران، جز در حد یک یا چند صفحه در حواشی و یا پایان کتاب‌ها، متن دیگری که در ذیل این نوع از تاریخ نگاری گنجانده شود، تنظیم نشده است و غالب سال شمارهای تدوین شده عموماً معطوف به تاریخ جهان و یا تاریخ چند هزار ساله کشورها است.

### ۳- خاطره نگاری

به یاد آوری افراد از یادمانده و نقش آنها در حوادث تاریخی، خاطره‌نگاری گفته می شود. در ثبت یک خاطره، توجه به دو مسئله از همه چیز مهم تر است:

۱- فاصله زمانی بین وقوع حادثه و خاطره نویسی یا خاطره گویی؛  
 ۲- مشخص بودن به یاد مانده؛ یعنی باید حد خاطره را از غیر خاطره مشخص کنیم و برای این کار لازم است در خاطرات افراد، بین خاطرات شخصی و مطالعات و دانش آنها از قضایای تاریخی - که معمولاً افراد سعی می کنند آنها را با خاطرات خود ممزوج نمایند - تفکیک قائل شویم. خاطره‌نگاری در دوره‌های اخیر به شدت رشد یافته و مرسوم شده است. تاکنون از سوی اشخاص، گروه‌ها و طیف‌های مختلف، خاطرات متعددی منتشر شده است. خاطره‌نگاری تاریخی به دو صورت انجام می شود؛ شفاهی و مکتوب.

**الف: خاطره‌نگاری شفاهی:** سبک و شیوه جدیدی از تاریخ‌نگاری است و برخلاف خاطره‌نگاری مکتوب که کم و بیش در ایران سابقه داشته است، این صورت از تاریخ‌نگاری، نو و جدید است و هم اکنون به صورت گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ چنان‌که به یکی از منابع اصلی تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی بدل شده است. در این روش، خاطره‌نگار نباید صرفاً به بیان و ثبت خاطرات شیرین پیروزی‌ها و فرازها از حوادث و وقایع بپردازد، بلکه حوادث تلخ و شیرین، شکست‌ها و کامیابی‌ها و فرازها و فرودها باید در کنار هم مطرح شوند. از آسیب‌های جدی در روایت‌های خاطره‌ای، گزینش ذهن خاطره نویسنده و خاطره‌گو است که ممکن است در بیان خاطره ترجیحاً به نقش‌ها و حوادث مثبت بیندیشد و این مثبت اندیشی موجب اشتباه محقق و خواننده در شناخت حوادث شود. آسیب دیگر، اعمال خود محوری در روایت خاطره است؛ بدین معنا که خاطره‌گو حوادث را حول محور خودش تبیین کند، به گونه‌ای که ریشه و عامل همه قضایا - و البته با نگاهی مثبت - به او ختم شود و نقش دیگران ضعیف‌تر جلوه کند. با این وجود خاطره، در دوره معاصر یکی از اصلی‌ترین منابع و مستندات تاریخی و تاریخ‌نگاری به شمار می‌رود؛ از این رو لازم است حدود و ثغور، ارزش تاریخی و اعتبار هر خاطره را با دقت و وسواس باز کاوی نماییم. لازم به ذکر است اعمال این دقت، در خاطرات شفاهی به مراتب جدی‌تر و عمیق‌تر است. علاوه بر این، توجه به انگیزه و اهداف تنظیم کنندگان خاطرات و یا موقعیت خاطره‌گو نیز بسیار مهم است.

خاطرات شفاهی در کل به یکی از صورت‌های زیر تنظیم می‌شوند:

- ۱- خاطرات شفاهی خام؛
- ۲- خاطرات شفاهی ویرایشی؛
- ۳- خاطرات شفاهی تدوینی؛
- ۴- خاطرات شفاهی تلفیقی.

**خاطرات شفاهی خام:** در این شیوه، مصاحبه‌گران با شخصیت خاصی به مصاحبه می‌نشینند و عین مطالب مصاحبه‌شونده را بی‌هیچ تبیین، ویرایش، دخل و تصرف و کم و کاست، با تمامی اشتباهات و یا فراموشی‌های خاطره‌گو، منتشر می‌کنند. نمونه بارز و الگوی این شیوه، تاریخ‌نگاری شفاهی دانشگاه‌هاروارد است که مجموعه خاطرات شفاهی آن تحت مدیریت دکتر حبیب‌الله لاجوردی انجام شده و تاکنون حدود ده جلد از آن چاپ و منتشر شده است؛ از جمله: خاطرات امیر تیمور کلانی، خاطرات علی‌امینی<sup>۱۸</sup>، خاطرات سلطان حمید قاجار<sup>۱۹</sup>، خاطرات شاپور بختیار<sup>۲۰</sup>، خاطرات شریف امامی<sup>۲۱</sup>، خاطرات عبدالمجید مجیدی<sup>۲۲</sup>، خاطرات فاطمه پاکروان و خاطرات ارتشبد طوفانیان. این تلاش دانشگاه‌هاروارد، به رغم تمامی هیاهوها و سرو صداهایی که پیرامون آن به راه انداخته شد و به رغم پول و امکانات زیادی که به قصد ایجاد یک مأخذ و منبع معتبر تاریخی از سوی عناصری از هواخواهان رژیم سلطنتی و غرب‌گرایان و هواداران امریکا، با پشتوانه و هدایت دستگاه‌های دولتی امریکا صرف فراهم کردن آن شد، کاری بسیار ضعیف و ابتدایی است. البته برخی افراد در داخل ایران تحت تأثیر این پروژه قرار گرفته‌اند، اما به هنگام ملاحظه خود اثر، متوجه می‌شویم از آنجا که مصاحبه‌ها بدون هیچ‌گونه ویرایش، پاورقی و توضیح چاپ شده‌اند، کلمات و جملات ناقص، عبارات نامفهوم و موارد مبهم در آن بسیارند و عبارات از حالت گویشی بسیار نازلی برخوردار هستند، چنان‌که خواندن متون و استناد به آنها بسیار دشوار است. بخشی از این خاطرات، از جمله خاطرات مجید مجیدی، امینی و شریف امامی، توسط برخی افراد و از جمله توسط این نگارنده، مورد بررسی و نقد قرار گرفته‌اند.

**خاطرات شفاهی ویرایشی:** صورت دیگری از تاریخ‌نگاری نقلی را شکل می‌دهند که مراکز متعددی در داخل ایران به آن پرداخته‌اند و یا پیگیر آن هستند. در این شیوه، پس از ضبط و جمع‌آوری خاطرات از طریق مصاحبه و گفت‌وگو، آنها را بر روی کاغذ پیاده می‌کنند و پس از اعمال ویرایش ادبی و درج توضیحات لازم، حاصل کار را در قالب کتاب منتشر می‌سازند. شیوه کار معمولاً به این صورت است که مصاحبه‌شونده و خاطره‌گو خاطرات خود را بیان می‌کند، سپس فرد یا گروهی از افراد این گفته‌ها را پیاده کرده و ویراستاری می‌کنند (البته بدون آن‌که در آن دخل و تصرفی انجام دهند) و آن‌گاه خاطرات با امضا و تأیید خاطره‌گو منتشر می‌شود. خاطرات سید علی‌اکبر محتشمی<sup>۳۳</sup>، سید محمد کاظم بجنوردی<sup>۳۴</sup>، مرتضی الویری<sup>۳۵</sup> و اکبر براتی<sup>۳۶</sup> منتشر شده توسط دفتر ادبیات انقلاب اسلامی و نیز خاطرات علی‌اکبر ناطق نوری<sup>۳۷</sup>، محمدی ری شهری، محمد تقی فلسفی و... که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ و منتشر شده‌اند، از این نوع به شمار می‌روند. همچنین خاطرات نورالدین کیانوری<sup>۳۸</sup>، ایرج اسکندری<sup>۳۹</sup> و خاطرات

فردوست<sup>۳۰</sup> که عبدالله شهبازی ویرایش کرده است، در این زمره محسوب می‌شوند. لازم به ذکر است در خاطره‌نگاری ویرایشی، روان‌سازی ادبی صورت می‌گیرد و ویراستار عبارات را از حالت گویشی به حالت نوشتاری نزدیک‌تر می‌کند. البته در مواردی ویراستار ترجیح می‌دهد با همان ادبیات گفتاری خاطره گو، متن را به چاپ بسپارد تا از جذابیت‌های ادبیات گویشی ویرایش شده بهره بگیرد. به عنوان نمونه می‌توان به کتاب خاطرات شعبان جعفری<sup>۳۱</sup> با ویرایش هما سرشار اشاره کرد.

**خاطرات شفاهی تدوینی:** در این شیوه، یک نفر حادثه یا واقعه تاریخی را توضیح می‌دهد و ضمن توضیح و بیان آن، به فرد یا گروهی اجازه می‌دهد خاطرات او را آن‌گونه که می‌پسندند تدوین کنند؛ چنان‌که تدوین‌کنندگان می‌توانند برخی نقاط ضعف مطلب را با ارائه توضیح، تکمیل و تقویت نمایند و یا موارد مرتبط با مسائل امنیتی را حذف کنند و با افزودن و کاستن، کتاب به گونه‌ای تنظیم شود که هم حالت روایی پیدا کند و هم جاذبه و شیرینی متون تاریخی را به همراه داشته باشد. کتاب‌های چاپ شده در خصوص خاطرات احمد احمد<sup>۳۲</sup> و خانم مرضیه دباغ از این شیوه تاریخ‌نگاری پیروی کرده‌اند. این سبک از تاریخ‌نگاری، ضمن بهره‌گیری از ظرایف قلم نویسنده، جذابیت بیشتری را برای خواندن ایجاد می‌کند. منتهی ممکن است زیاده‌روی نویسنده در قلم‌فرسایی به اصالت و دقت تاریخی اثر لطمه وارد نماید. قابل‌انکار نیست که فضا‌سازی تاریخی در کار تاریخ‌نگاری مفید است، اما معلوم نیست اعمال این شیوه در خاطره‌نویسی تا چه اندازه می‌تواند فضای واقعی را نیز ترسیم کند. نمونه دیگری از این آثار، کتاب شب‌های بی‌مهتاب<sup>۳۳</sup> و خاطرات سرهنگ شهبازی است که محسن کاظمی آن را تدوین کرده است و نگارنده در نقدی، مواردی از این فضا‌سازی‌ها را که منجر به نتایج غیر واقعی شده‌اند، تبیین نموده‌ام.<sup>۳۴</sup> نوع افراطی فضا‌سازی تاریخی را می‌توان در آثار تدوین شده توسط مسعود بهنود و خسرو معتضد، ملاحظه نمود که به رغم برخورداری از جذابیت به هنگام خواندن، از اعتبار کافی برای استناد برخوردار نیستند. نقطه اصلی تفاوت و مزیت و برتری آثار کاظمی با آثار بهنود و معتضد، در این است که فضا‌سازی‌های کاظمی مورد تأیید خاطره‌گویان است اما بهنود و معتضد از چنین تأییدی برخوردار نیستند.

**خاطرات شفاهی تلفیقی:** در این شیوه، جمع‌آوری و ضبط خاطرات از یک گروه در خصوص موضوع و واقعه‌ای خاص و یا در خصوص موضوعات و وقایع مختلف، به صورت مصاحبه و گفت‌وگو انجام می‌گیرد. در مرحله بعد، پازل‌های خاطرات را در کنار هم می‌گذارند و خط و سیر طبیعی خاصی را در چینش‌ها اعمال می‌کنند. بهترین مصداق این شیوه، انقلاب ایران به روایت رادیو بی.بی.سی<sup>۳۵</sup> است که تاکنون در ایران دو بار چاپ شده است - یک‌بار به کوشش عبدالرضا هوشنگ مهدوی تحت عنوان انقلاب



اسلامی به روایت رادیو بی. بی. سی و بار دیگر توسط عمادالدین باقی تدوین و چاپ شده است - اخیراً برخی جلسات ضبط شده این روایت تاریخی، در قالب شنیداری آن و به صورت کاست، به خریداران کتاب اهدا می‌شود. این سبک خاطره نویسی به دلیل تنوع و جاذبه‌هایی که دارد، بسیار مؤثر است. در خصوص رادیو بی. بی. سی، نکته ویژه و حائز اهمیت آن است که این رادیو در جریان انقلاب اسلامی، سعی می‌کرد نقش رهبران مبارز میانه رو و لیبرال را در مقابل امام خمینی (ره) برجسته سازد و از این رو بررسی میزان تأثیر آن در مسائل انقلاب بسیار با اهمیت است. مدل دیگری از این دسته از آثار را می‌توان در کتاب توسعه در ایران تهیه شده توسط مرکز مطالعات زنان ایران در امریکا که مصاحبه ای است با مجید گودرزی، عبدالمجید مجیدی و منوچهر فرمانفرمایان دید.<sup>۳۶</sup>

ب: **خاطره نگاری مکتوب:** خاطره‌نگاری مکتوب، به خاطراتی گفته می‌شود که توسط شخص خاطره نگار نوشته می‌شود و خود او بر نگارش متن نهایی، نظارت و دخالت تام دارد؛ به عبارتی خاطره با قلم و احساسات شخص خاطره‌نگار همراه است. تفاوت خاطره‌نگاری مکتوب و شفاهی، در میزان اعتبار استناد آن به نویسنده و گوینده خاطرات است؛ چرا که میان کلام منقول از گوینده و روایت مکتوب، به لحاظ اعتبار تفاوت وجود دارد؛ زیرا ممکن است ناقلان خاطره شفاهی در فهم و ضبط خاطره دچار اشتباه شوند و خاطره گو بعداً متوجه آن نشود ولی در خاطره نویسی، امکان این اشتباهات به مراتب کمتر است؛ ضمن آن که گرچه ممکن است هم خاطره‌نگار و هم خاطره‌گو در تغییر، تبدیل و نقل وقایع، دچار نقص در فهم و یا عمد در تحریف باشند، اما شکی نیست دقتی که در نوشتار به دست می‌آید به مراتب فراتر از دقتی است که در نتیجه توجه به گفتار حاصل می‌شود و این مسئله طبعاً بر اعتبار خاطره‌نگاری مکتوب می‌افزاید. تفاوت دیگر خاطره‌نگاری مکتوب با شفاهی، این است که در خاطره‌نگاری مکتوب نگارنده کاملاً مواظب است از نوشتن آنچه که نباید ابراز کند، پرهیز نماید و در واقع خاطرات خود را بر اساس یک نقشه طراحی شده پیش می‌برد، اما در خاطره‌نگاری شفاهی این کار به آسانی امکان پذیر نیست؛ به عبارتی در خاطره‌نگاری مکتوب فرد به اهداف و آرمان‌های سیاسی، تاریخی و اجتماعی خودش توجه دارد و به آنها وفاداری نشان می‌دهد و تلاش می‌کند آنها را مورد سوال قرار ندهد. مشهورترین نوع این شیوه تاریخ نگاری را می‌توان در کتاب پاسخ به تاریخ نوشته محمد رضا پهلوی<sup>۳۷</sup> و نیز در خاطرات علی امینی مشاهده کرد (کتاب خاطرات امینی ابتدا در کیهان لندن و سپس توسط نگارنده در ایران به چاپ رسید). همچنین از خاطرات جهانگیر تفضلی<sup>۳۸</sup> می‌توان نام برد که توسط نگارنده تدوین و چاپ شده است و یا همین‌طور از خاطرات سیاسی محمدی ری شهری<sup>۳۹</sup> می‌توان یاد کرد؛ که

در آن نویسنده در تلاش است تا به سؤالات و ابهامات پیرامون موضوعاتی که در زندگی سیاسی و اجتماعی خود با آن درگیر بوده پاسخ مستقیم و یا غیر مستقیم دهد. یکی از انگیزه‌های تاریخ‌نگاری مکتوب، تلاش خاطره نگار در راستای بری کردن خود از برخی مسائل و اتهامات و یا برجسته کردن نقش خود در برخی حوادث و رخداد‌های تاریخی است. به عبارتی در این شیوه تاریخ‌نگاری، خاطره نویسان در بسیاری از موارد دچار فراموشی عمدی می‌شوند. مثلاً نویسنده می‌داند که آقایان الف، ب و ج در یک حادثه و واقعه باهم دارای نقش بوده‌اند اما اکنون به دلایلی نظیر جناح‌بندی‌های سیاسی، تغییر مواضع یکی از این افراد و در نتیجه بروز ناهمخوانی در دیدگاه‌ها و یا مواضع سیاسی و یا به هر دلیل دیگر، از آوردن نام او خودداری می‌نماید و یا با ذکر عباراتی نظیر «نفرسومی هم بوده که نامش را فراموش کرده‌ام» مطلب را یکسره می‌کند. این نوع دست کاری‌ها و فراموشی‌های عمدی در خاطرات مکتوب و به ویژه در خاطرات عناصر چپ و ملی‌گرای ایران، بسیار به چشم می‌خورد؛ زیرا هر کدام از آنها می‌خواهند نقش موثر و مثبت دیگران را کم‌رنگ و متقابلاً نقش خودشان را پررنگ جلوه دهند؛ اما بی‌تردید به کارگیری این شگردها از اعتبار این شیوه تاریخ‌نگاری می‌کاهد. نمونه بارز به کارگیری این شگرد، در خاطرات مکتوب رهبران سیاسی و امنیتی امریکا دیده می‌شود که هر از گاهی، خاطراتشان را می‌نویسند و روانه بازار می‌کنند و همواره حذف و اضافات و فراموشی‌های عمدی در آنها ملاحظه می‌شود. مرحوم دکتر حسین ابوترایان در مقدمه کتاب خاطرات ژنرال رابرت هایزر تحت عنوان مأموریت در تهران، می‌نویسد: «در حقیقت هدف‌هایزر از نوشتن این کتاب چیزی جز انتشار دفاعیه‌ای در برابر افکار عمومی امریکا و غرب نیست. تردیدی وجود ندارد که خاطرات‌هایزر، همچون خاطرات هرکس دیگر، همه ماجراییست. هایزر بخشی از خاطرات خود را منتشر کرده است که ایراد و اشکال اطلاعاتی در آن نبوده است.»<sup>۴۰</sup> در همان راستا استانسفیلد ترنر، رئیس سازمان سیا در زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر نیز، در مقدمه کتاب خود، دموکراسی و پنهان کاری، صریحاً توضیح می‌دهد که چگونه سازمان سیا، یعنی سازمانی که زمانی تحت مدیریت خود او بود، کتاب وی را سانسور کرد و پاره‌ای اطلاعات را از آن حذف و دست چین نمود. همین طورهامیلتون جردن، رئیس دفتر کاخ سفید، نیز به هنگام چاپ خاطراتش تحت عنوان بحران، مجبور شد بخش‌هایی از آن را حذف کند. در چاپ خاطرات جیمی کارتر<sup>۴۱</sup> نیز از این شیوه پیروی شده است. در واقع همگی آنها به هنگام نوشتن مطالب و موضع‌گیری‌های‌شان، به نقش و موقعیت فعلی و آینده خود توجه داشتند که مبادا در مخاطره قرار گیرند، ضمن آنکه نسبت به مسائل حیثیتی و امنیتی امریکا نظر و التفات ویژه‌ای داشته‌اند.

گاه در این دست کاری‌های تاریخی، ناشی‌گری‌هایی نیز صورت می‌گیرد که به افشای حقایق بسیاری می‌انجامد. مثلاً روزنامه توس مصاحبه‌ای را از والرئ ژیسکار دستن، رئیس‌جمهور اسبق فرانسه، منتشر ساخت که در آن مصاحبه آمده بود: حضرت امام (ره) از دولت فرانسه تقاضای پناهندگی کرد و دولت فرانسه به ایشان پناهندگی سیاسی داد؛ حال آنکه خود امام خمینی (ره) در مصاحبه‌های مختلف موضوع پناهندگی سیاسی را به شدت رد نموده و اعلام کرده بود که ایشان از قانون قرارداد لغو روادید بین اتباع ایران و فرانسه سود برده است. جالب آنکه خود ژیسکار دستن پیش از آن در کتاب قدرت و زندگی،<sup>۴۲</sup> از ماجرای ورود امام و اقامت ایشان در پاریس را کاملاً متفاوت با آنچه روزنامه توس آورده، بیان کرده است. در واقع امام در سفر خود از عراق به فرانسه، از توافقنامه ایران و فرانسه مبنی بر لغو روادید جهت سفر اتباع دو کشور استفاده کرد و چون نام ایشان در گذرنامه، روح الله موسوی (ره) ذکر شده بود، دولت فرانسه نتوانست به موقع تشخیص دهد که مسافر اعزامی امام خمینی (ره) است. چنان‌که خود ژیسکار دستن در کتاب قدرت و زندگی می‌گوید: «رئیس پلیس پاریس به من زنگ زد و گفت ما خبر نداشتیم آیت الله خمینی (ره) به پاریس آمده، حالا چه کار کنیم؟ تکلیف چیست؟ به ایشان گفتم: فعلاً دست به اقدامی نزنید تا از شاه ایران پرسیم و بعد اخراجش می‌کنیم. من با شاه تماس گرفتم و از او پرسیدم ما با آقای آیت الله خمینی چه کنیم، ایشان وارد پاریس شدند، شما هرچه بگویید ما همان را انجام می‌دهیم. شاه گفت: این موضوع را در شورای امنیت کشور به شور می‌گذاریم و بعد از ۴۸ ساعت که شاه از ما وقت خواسته بود؛ وزیر خارجه ایران امیر خسرو افشار به وزیر خارجه ما گفت: وجود یک روحانی پیر در اروپای متمدن هیچ ضرری به ما نمی‌زند و امنیت ملی ما را تهدید نمی‌کند. اگر برای شما ضرر ندارد برای ما هم ندارد. ایشان آنجا باشند خیال ما هم آسوده‌تر است.» در واقع تصور شاه و سیاستمداران ایالات متحده، آن بود که امام خمینی (ره) در فرانسه و دروغ‌های دنیای متمدن غرب فراموش خواهد شد؛ اما بر خلاف تصور آنها امام خمینی با استفاده از امکانات رسانه‌ای فرانسه، توانست پیام‌های خود را بهتر و سریع‌تر به ایران منتقل نماید. از این رو باید گفت بدون شک ژیسکار دستن در بیان تناقض آمیز خود در آن مصاحبه، در واقع هدف سیاسی خاصی را دنبال کرده است. برخی نویسندگان پهلوی گرا نیز بعضاً در خاطره‌نگاری‌های خود، ناخواسته از حقایق بسیاری پرده برداشته‌اند. به عنوان مثال، جهانگیر تفضلی در خاطراتش درباره نحوه انتخاب شدن خود به نمایندگی شهرستان زابل در انتخابات مجلس نوزدهم، بدون پرده پوشی می‌نویسد: «اعلیحضرت به من فرمودند شما باید از گناباد نماینده بشوید. گفتم: اعلیحضرت خود بهتر می‌دانید که اگر نماینده گناباد شوم، نمی‌توانم به اوامر اعلیحضرت برسم. گفت: به علم خواهیم گفت تا ترتیب انتخاب شما را از بیرجند بدهد. البته در بیرجند به علت

وجود یک نفر از اعضای خانواده علم [در میان نامزدها] نپذیرفتم. نهایت، قرار شد من نماینده زابل شوم. منتها من نماینده دوم و علم، نماینده اول. من در حالی نماینده مردم زابل شده بودم که تا آن زمان و تا به حال هنوز نه زابل را ندیده‌ام و نه مردمش را می‌شناسم.<sup>۴۳</sup>

### یادداشت نویسی روزانه

یادداشت نویسی به متونی گفته می‌شود که خاطره نگار در هنگام وقوع حوادث به صورت روزانه و یا دوره ای به ثبت وقایع می‌پردازد و در این یادداشت‌ها، عمدتاً حوادثی مطرح می‌شوند که خاطره نگار در آنها مدخلیت و حضور داشته است. یادداشت روزانه از اسناد با ارزش تاریخی به شمار می‌رود؛ چراکه ذهن نویسنده به هنگام نوشتن این یادداشت‌ها، از یک طرح و نقشه طراحی شده بهره نمی‌گیرد، بلکه حوادث روزانه را بر مبنای شیوه وقوع آنها یادداشت می‌کند و در نتیجه مطلب از یک سیر کاملاً طبیعی برخوردار می‌شود؛ به ویژه اگر خاطره نگار فردی باشد که خود در وقایع حضور داشته باشد، اهمیت این مسئله، مضاعف می‌گردد. در میان نوشته‌های سال‌های اخیر، یادداشت‌های اسدالله علم<sup>۴۴</sup> - وزیر دربار شاه، یکی از اصلی‌ترین حلقه‌های ارتباطی شاه و غرب و مقتدرترین شخصیت تصمیم‌گیرنده در عرصه سیاسی و بین‌المللی مربوط به ایران - از اسناد با ارزش تاریخی مربوط به دوران پهلوی دوم به شمار می‌رود و این اثر را در نوع خود می‌توان بالاترین و بهترین سند علیه محمدرضا پهلوی، دربار و نظام حاکمیت پهلوی‌ها تلقی کرد. البته خود امیر اسدالله علم به اهمیت این قضیه واقف بوده است، لذا توصیه می‌کند که کتاب خاطرات او ده سال پس از خاتمه حکومت پهلوی و صرفاً در زمانی که امکان بازگشت پهلوی اصلاً وجود نداشته باشد، چاپ شود. در واقع به نظر می‌رسد که او هیچ وقت فکر نمی‌کرد بهترین اسناد تاریخی را برای جدی‌ترین مخالفان خود باقی می‌گذارد. این یادداشت‌ها تاکنون در شش جلد و به دو زبان انگلیسی و فارسی - در شکل فارسی آن نیز به دو صورت ترجمه به فارسی از انگلیسی و نیز به صورت متن اصلی فارسی - به چاپ رسیده‌اند. ترجمه انگلیسی این یادداشت‌ها را ابتدا نیکلاس وینسنت، استاد تاریخ دانشگاه کمبریج، در سال ۱۹۹۱ در لندن چاپ کرد و سپس هوشنگ مهدوی و دستیارانش همین کتاب را به فارسی ترجمه نمودند. طبیعی است در این میان بسیاری از واژگان دچار تغییر شدند و به همین دلیل متن مذکور چندان معتبر نیست و با واقعیت یادداشت‌های علم فاصله بسیار زیادی دارد. ضمن آن‌که مهدوی و دستیاران وی سعی کردند متن کتاب را بر اساس ذائقه سیاسی جامعه فعلی بنگارند و به نوعی کتاب را با توجه به شرایط انقلابی جدید ایرانیزه نمایند. اما علینقی عالیخانی - وزیر اقتصاد کابینه علم و از دوستان خانوادگی وی - سرانجام متن اصلی یادداشت‌های علم به زبان فارسی را

منتشر کرد که به علت دست‌نخورده بودن از اعتبار بیشتری برخوردار است، هر چند البته او هم بسیاری از اسامی را حذف نموده و به جای آنها نقطه چین گذاشته است و یا موارد زیادی از آنچه او خصوصی و شخصی تشخیص داده حذف شده اند. به نظر می‌رسد این از موارد تصرفات نابه جا در متون تاریخی است که اعتبار آن را دچار خدشه می‌کند؛ شاید بهتر می بود عالیخانی بدون دخل و تصرف متن را منتشر می‌کرد و در موارد مورد نیاز توضیح خود و دیگران را اضافه می‌کرد.

نمونه دیگر این شیوه تاریخ‌نگاری، یادداشت‌های هاشمی رفسنجانی تحت عنوان کارنامه و خاطرات<sup>۴۵</sup> است که از جمله اسناد با ارزش در خصوص حوادث بعد از انقلاب به شمار می‌رود. نمونه ای از این اسناد با ارزش، خاطره ای است که وی از ملاقات ادواردو آنیلی، پسر مالک شرکت فیات ایتالیا، با حضرت امام (ره) نقل می‌کند که حضرت امام (ره) پیشانی ایشان را بوسید. بعد از آن که ادواردو به طرز مرموزی کشته شد، این یادداشت، به عنوان یک سند و روایت ارزش زیادی را پیدا کرد؛ چرا که احتمال وجود دلایل و علل خاصی را در خصوص حادثه مذکور پیش می‌کشید.

نکته مهم در این گونه خاطره‌نگاری‌ها، آن است که نویسنده به هنگام نوشتن یادداشت خود از یک واقعه، چندان توجه نکند که یادداشت وی بعدها به یک سند با ارزش تبدیل خواهد شد و یا چه نتایجی در بر خواهد داشت.

یادداشت‌های روزانه ای که منتشر شده اند، هرکدام از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار هستند و تفاوت نمی‌کند که نگارنده این یادداشت‌ها، شخصیتی سیاسی و یا رزمنده دفاع مقدس باشد؛ کما آنکه یادداشت‌های روزانه شهید رضا احدی، تحت عنوان حرمان هور از اعتبار والایی برخوردار است. همچنان که نامه‌های فهیمه به کوشش علیرضا کمری - و یادداشت‌های سوسنگرد نوشته شهید غلامرضا صادق زاده از جمله این آثار در خور توجه هستند.

در تاریخ‌نگاری نقلی سه شیوه تاریخ‌نگاری تحلیلی می‌توانند مورد توجه قرار گیرند که این سه شیوه به قرار ذیل می‌باشند.

### ۱. تاریخ‌نگاری تحقیقی

از سبک‌های تاریخ‌نگاری تحلیلی است و محقق به دنبال اثبات فرضیه یا یک مطلب خاص به وسیله جمع آوری و ارائه شواهد و مدارک است، لذا این نوع تاریخ‌نگاری همواره مبتنی بر فرضیه‌ای است و نویسنده به دنبال آن است که شواهد کافی و معتبر برای اثبات آن فرضیه ارائه کند. این نوع تاریخ‌نگاری بیشتر در مراکز علمی و دانشگاهی به عنوان یک کار پژوهشی رایج است و بر بقیه گونه‌ها و صورت‌های تاریخ‌نگاری نیز سایه

افکنده است و گاهی آن قدر افراط می‌کنند که تنها همین صورت و شیوه تاریخ‌نگاری را به عنوان یک کار علمی می‌پذیرند و برای سایر روش‌های موجود ارج و اعتباری قائل نیستند و با آنها با برچسب غیر علمی و ژورنالیستی برخورد می‌کنند. غالب نویسندگان آکادمیک و یا اساتید راهنما معتقدند که ادبیات توصیفی فاقد ارزش علمی است اما به این نکته اساسی توجه ندارند که توصیف یک پدیده به صورت واقعی و عاری از حب و بغض و تنگ نظری‌های ناشی از محدودیت در فرضیه یکی از اساسی‌ترین نیازهای علم تاریخ و علوم اجتماعی است و قطعاً توصیف درست، مبانی اولیه یک تحلیل را خواهد ساخت، به همین خاطر معتقدیم که در بخش اسناد و خاطرات شاید اثر و بازدهی در انتقال مفاهیم و گسترش دانش تاریخی آن به مراتب بیشتر و با اهمیت‌تر باشد. در تاریخ‌نگاری تحقیقی مورخ اغلب دنبال اثبات و نفی حادثه و یا واقعه‌ای تاریخی بر اساس چهارچوب‌های یک فرضیه و یا چند فرضیه می‌باشد و این رویه در چهارچوب پژوهش‌های سنتی و رایج به راحتی جای می‌گیرد و از آنجا که افراد معمولاً از کار بدیع و نو واهمه دارند، شیوه تاریخ‌نگاری تحقیقی نسبت به سایر روش‌ها بیشتر مورد قبول واقع می‌گردد. برای این شیوه تألیف‌های مختلفی وجود دارد، همانند: تشیع و مشروطیت ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق اثر آقای عبدالهادی حائری<sup>۴۶</sup>، تاریخ سیاسی معاصر ایران<sup>۴۷</sup> و تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران اثر دکتر جلال‌الدین مدنی<sup>۴۸</sup>، تاریخ روابط خارجی ایران آقای هوشنگ مهدوی<sup>۴۹</sup>، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی<sup>۵۰</sup> اثر دکتر ارواند آبراهامیان، جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی و سیاسی ایران<sup>۵۱</sup> آقای رسول جعفریان، تاریخ تحولات سیاسی ایران آقای دکتر موسی نجفی<sup>۵۲</sup>، کتاب سازمان افسران حزب توده ایران اثر آقای محمد حسین خسرو پناه<sup>۵۳</sup>، ریشه‌های انقلاب ایران اثر نیکو کدی و شیر و عقاب اثر جیمز بیل از این شیوه برخوردار می‌باشند.

مواد و مصالح این نوع تاریخ‌نگاری، منابع تاریخی نقلی و توصیفی است که شیوه‌ها و صورت‌های آن بیان شد و هرچه این مواد مستحکم، قوی و درست باشد، ساختمانی که از آن بنا می‌گردد، مستحکم‌تر و متقن‌تر خواهد بود.

## ۲. تاریخ‌نگاری اسنادی

در تاریخ‌نگاری اسنادی به دنبال نگارش و ترسیم تاریخ بر اساس اسناد و مدارک هستیم که این اسناد و مدارک همراه با پاره‌ای توضیحات در خصوص واقعه مربوط، تدوین می‌گردد. عموماً اسناد تاریخی لایه‌های پنهان حوادث را روشن می‌سازند، چنانچه اسناد به دست آمده از ساواک نشان می‌دهد که رغم ادعاها و سرو صدای تبلیغی رژیم که

سعی می‌کرد امام را فردی ناشناخته و گمنام جلوه دهد، اما در اسنادی که از گزارش‌های ۲۸ خرداد ۱۳۴۲ ساواک به دست آمده، آورده شده است:

حاج آقا روح الله خمینی متولد خمین است که برای تحصیل به قم آمده و چند سال در قم تحصیل کرده. سپس به اصفهان رفته و چند سال هم در آنجا تحصیل کرده است سپس به قم آمده و در محضر آقای شیخ عبدالکریم حائری به تحصیل اشتغال داشته مدتی هم تحصیل حکمت نموده، ایشان مجتهد مسلم است. در علوم معقول و منقول بسیار وارد و متخصص می‌باشد. ابتدا در قم حکمت تدریس می‌کرده، عده ای او را هو؛ کردند ولی حاج شیخ عبدالکریم از او حمایت کرد و او را مأمور تدریس فقه و اصول نمود و تدریس حکمت را به آیت الله قاضی تفویض کرد. پس از فوت حاج شیخ عبدالکریم مورد احترام مرحوم بروجردی بوده و در زمان مرحوم بروجردی از مدرسین درجه اول حوزه علمیه قم بوده است. شخصی است بسیار متین و کم حرف، ۶۳ سال سن دارد، پدرش نیز از خمین و خیلی شجاع بوده است و به خاطر منازعه و اختلافی که با حاکم وقت داشته به دست حاکم آنجا کشته می‌شود. خودش هم مانند پدرش بسیار بی باک و شجاع است. آشنایی زیادی به علوم جدید و سیاست روز دارد. در سال‌های ۲۳ و ۲۴ کتابی علیه اعلیحضرت نوشته است و همواره اهل مبارزه و سیاست بوده، پنج سال قبل رساله نوشته و در مقام مرجع تقلید قرار گرفته و پیروانی هم دارد و داماد آقای حاج میرزا محمد ثقفی نوری از روحانیون تهران است، ساکن پامنار کوچه صدر اعظم نوری است و سه فرزند دارد.»

این گزارش ساواک کاملاً با مقاله رشیدی مطلق که با هماهنگی شاه و دربار و ساواک تهیه شد و در روزنامه اطلاعات ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ به چاپ رسید و منجر به خیزش عمومی مردم شد، منافات و تغایر جدی دارد. در روزنامه اطلاعات امام خمینی را این چنین به مردم معرفی کرده بودند:

#### ایران و استعمار سرخ و سیاه

و چنین مردی را آسان یافتند. مردی که سابقه اش مجهول بود و به قشری‌ترین و مرتجع‌ترین عوامل استعمار وابسته بود و چون با همه حمایت‌های خاص موقعیتی در میان روحانیون عالی مقام کشور به دست نیاورده بود در پی فرصتی می‌گشت به هر قیمتی هم که شده خود را وارد ماجراهای سیاسی کند و اسم و شهرتی پیدا کند. روح الله خمینی عامل مناسبی برای این منظور بود و ارتجاع سرخ و سیاه او را مناسب‌ترین فرد، برای مقابله با انقلاب ایران یافت و او همان کسی که عامل واقعه ننگین روز ۱۵ خرداد شناخته شد. روح الله خمینی به (سید هندی) شهرت دارد. درباره انتساب او به هند حتی نزدیک‌ترین کسانش توضیحی ندارند، به قولی او مدتی در هندوستان به سر برده و در آنجا با مراکز استعماری انگلیس ارتباط داشته است و به همین جهت به نام (سید هندی) معروف شده

است. و یا به قولی در جوانی اشعار عاشقانه ای می سروده و به نام (هندی) تخلص می کرده است و عده ای هم عقیده دارند چون تعلیمات او در هندوستان بوده از آن جهت فامیل هندی را انتخاب کرده است که از کودکی تحت تعلیم یک معلم هندی بوده است. آنچه مسلم است شهرت او به نام غائله ساز ۱۵ خرداد در خاطر همگان مانده است. کسی که برای اجرای نقشه استعمار سرخ و سیاه علیه انقلاب ایران کمر بست و به دست عوامل خاص و شناخته شده خود علیه تقسیم املاک، آزادی زنان، ملی شدن جنگل‌ها وارد مبارزه شد، خون بی گناهان را ریخت و نشان داد هنوز کسانی وجود دارند که حاضرند خود را صادقانه در اختیار توطئه گران و عناصر ضد ملی بگذارند.<sup>۵۴</sup>

بنابراین در تاریخ نگاری اسنادی، سعی و تلاش بر آشکار کردن لایه‌های زیرین حوادث و وقایع تاریخی است. البته در اسناد باید دقت کافی به عمل آید، چون گاهی ممکن است اسناد جعل شده باشد یا در تنظیم اولیه، مقاصد و انگیزه‌های خاصی در کار بوده که واقعیت‌ها دچار تحریف شده باشد. نمونه جالبی از آن را در اسناد انقلاب داریم. در دوران شاه از سال ۱۳۵۲ و بعد از ریاست پرویز ثابتی بر امنیت داخلی ساواک به مأموران انتظامی و امنیتی بابت کشتن مخالفان مبلغی به عنوان حق القتل پرداخت می کردند. مثلاً اگر مردی در درگیری کشته می شد پاداشی از سه تا هفت هزار تومان می پرداختند. یکی از محققان تاریخ معاصر تعریف می کرد: در همسایگی ما یک درجه داری زندگی می کرد که سه چهار نفر را کشته بود، ولی رئیس کلانتری برای اینکه پاداش حق القتل را خودش بگیرد، قتل‌ها را به نام خود ثبت و گزارش می کرد و یک مبلغ مختصری هم به درجه دار می داد. بعد از پیروزی انقلاب پرونده قتل‌ها که باز شد، رئیس کلانتری طبق اسناد به اتهام چند فقره قتل دستگیر می گردد. (۱) این یک سند قطعی است، اما انگیزه پاداش سبب جعل چنین سندی می گردد. لذا در تاریخ نگاری اسنادی وقتی پای اشخاص به میان می آید باید تأمل و دقت بیشتری شود. چون در تاریخ نگاری گاهی اسناد مربوط به شخص یا گروه خاصی می باشد و گاهی پیرامون موضوع و مسئله خاصی است همانند کتاب بزم اهریمن<sup>۵۵</sup> که در مورد جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و مبالغه هزینه شده می باشد و گاهی ترکیبی است از اشخاص و موضوعات مانند: اسناد لانه جاسوسی آمریکا که توسط دانشجویان پیرو خط امام منتشر گردیده است. علاوه بر آن اسناد به دو صورت گزینشی و یا تلفیقی مورد استفاده قرار می گیرند.

## ۲-۱. تاریخ نگاری اسنادی گزینشی

در مواردی نویسنده برای اثبات فرضیه‌ای به دنبال یافتن اسنادی برای به نتیجه رساندن فرضیه خود است، به همین خاطر ممکن است به بخشی از اسناد توجه و اهتمام ننماید و اسناد خاصی از میان اسناد موجود گزینش می گردد، که البته بستگی به نگاه و هدف محقق



و تاریخ نگار دارد که سعی می‌کند با کنار هم قرار دادن برخی اسناد به هدف و ادعای مورد نظرش برسد. چنانچه آقای دکتر جواد شیخ الاسلامی بر اساس بخشی از اسناد متعلق به وزارت امور خارجه انگلستان اصرار دارد، انگلستان با کودتا ۱۲۹۹ مخالف بوده است. چرا که اسنادی وجود دارد که بیان‌کننده مخالفت لرد کرزن با کودتا است. اما این اسناد فقط می‌توانند اثبات کنند که وزارت خارجه انگلستان با کودتا مخالف بوده و مدافع نظریه تحت‌الحمایگی بوده‌اند که در قالب قرارداد ۱۹۱۹ شکل می‌گرفت، اسناد دیگری وجود دارد که نشان می‌دهد دستگاه وزارت مستعمرات به رهبری وینستون چرچیل و نخست‌وزیر لوید جرج، با کودتا موافق بودند و نظر اینها غالب شد و کودتا انجام گرفت، اما چون دکتر شیخ الاسلامی مخالف نظر دخالت انگلستان در کودتای ۱۲۹۹ است، بخشی از اسناد را که مطابق نظرش می‌باشد گزینش کرده و بر آن اصرار می‌ورزد.

یا در مورد اسناد فراماسونری و سید جمال‌الدین اسدآبادی که متأسفانه برخی مورخان به صورت گزینشی اسناد را انتخاب کردند و سید جمال اسدآبادی را جزء اعضای فراماسونری قلمداد کردند و با نادیده گرفتن اسناد زیادی که علیه این دیدگاه هست هدف خاصی را دنبال نمودند. چنانچه آقای خسروشاهی در کتاب **تاریخ فرهنگ معاصر**<sup>۵۶</sup> بیان می‌کند: اسناد وزارت خارجه در مورد آقای سید جمال‌الدین اسدآبادی توسط آقای ابراهیم صفائی به سرقت رفته است. اگر این اسناد در دسترس بود، موقعیت سیاسی و روابط سید جمال با فراماسونری و سیاست‌های استعماری انگلستان در مصر و نوع مخالفت‌های سید جمال را روشن می‌کرد که به اعتقاد آقای خسروشاهی در نفی روابط سید جمال با فراماسونری و مخالفت با منافع انگلستان بسیار مهم بود، لکن در عوض آمدند چند عکس از سید جمال‌الدین اسدآبادی که در مجلس فراماسونری گرفته بودند مطرح و عکس کردند، تا جایی این کار تأثیرگذار بود که حتی آقایان: دکتر موسی نجفی و موسی حقانی در کتاب **تاریخ معاصر ایران** هم از کنار آن گذشتند و بحثی در خصوص سید جمال‌الدین اسدآبادی در آثارشان به عمل نیاوردند.

### ۳. تاریخ نگاری فرهنگ نام‌های

شیوه و صورت دیگری از تاریخ نگاری‌های مکتوب، تاریخ‌نگاری به صورت دائرةالمعارف و فرهنگ‌نامه است که اتفاق افتاده است و در مورد تاریخ ایران و به‌خصوص تاریخ معاصر ایران نیز اقداماتی در داخل و خارج از کشور در حال انجام است. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، دائرةالمعارف تشیع، مجموعه دائرةالمعارف ایرانیکا زیر نظر احسان یارشاطر - که با جنجال زیاد تبلیغ می‌شود، مجموعه دائرةالمعارف‌هایی است که اختصاص به تاریخ و یا تاریخ انقلاب اسلامی و

معاصر ندارد، اما مقالات متعددی از آن مربوط به حوادث و مسائل دوران معاصر و انقلاب اسلامی است که از موضوعات تا شخصیت‌ها را دربر می‌گیرد و صد البته مقالات این مجموعه‌ها به عنوان منابع او توجه مورد اعتنا خواهند بود و باید اذعان و توجه کرد که ما الآن در جریان یک نهضت دائرةالمعارف نویسی نوپا ولی بسیار گسترده و فعال قرار داریم. اتفاق مهم دیگری که در کنار این دائرةالمعارف نویسی در حال انجام است نوشتن دائرةالمعارفهای انقلاب اسلامی برای نوجوانان است؛ نظیر دائرةالمعارف انقلاب اسلامی نوجوانان دفتر ادبیات انقلاب اسلامی<sup>۵۷</sup> و فرهنگ نامه انقلاب اسلامی برای نوجوانان، که چاپ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. اهمیت این نوع تاریخ‌نگاری، به این است که هدف و غایت اصلی این شیوه تاریخ‌نگاری دراصل ایجاد مأخذ و منبع برای تاریخ‌نویسی است. از این رو است که عمده‌ترین جریان‌های موافق انقلاب اسلامی در داخل و یا مخالف انقلاب در خارج با پشتوانه آمریکا به شدت و وسعت زیاد به این نوع تاریخ‌نگاری روی آورده‌اند. در مجموع بانیان این نوع فرهنگ نامه‌ها دیدگاه‌های خود را تحمیل می‌کنند. هرچند برای متنوع جلوه دادن و آزادی اندیشه در چند مورد، آن هم غیر کلیدی، از چندین مقاله مخالف جریان مسلط هم، استفاده می‌کنند. به عنوان نمونه مقالات دائرةالمعارف ایرانیکا شدیداً گرایشات بایه و بهائی‌گری دارد.

در داخل کشور، نمونه بارز شیوه تاریخ‌نگاری فرهنگ‌نامه‌ای فرهنگ ناموران معاصر ایران (۵۲) است که با همه کاستی‌هایی که به لحاظ نگرش و دیدگاه‌های تاریخی دارد به لحاظ فرم و شکل کاری خوب و پسندیده است.

#### ۴- تاریخ‌نگاری داستانی:

تاریخ‌نگاری داستانی و یا داستان تاریخی شیوه دیگری از تاریخ‌نگاری است که در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مورد اقبال واقع شده است و بر ظرفیت پژوهش و نگارش در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی افزوده شده است، هر چند در گذشته کم و بیش رایج بوده؛ اما در انقلاب اسلامی این شیوه توسعه بیشتری یافته است. این شیوه تاریخ‌نگاری به دلیل جاذبه‌های داستانی، تأثیرگذاری و نفوذش در مخاطبان - به خصوص نوجوانان و جوانان - بیشتر از سایر شیوه‌ها می‌باشد که لازم است به آن توجه خاص گردد و برغناي آن افزوده شود. در این سبک تاریخ‌نگاری، نویسنده سعی می‌کند با حفظ اصل داستان، پیرایه‌های داستانی به واقعه بیفزاید و جذابیت داستانی اثر را از طریق ایجاد و تعلیق در صحنه‌های خالص خواننده را به دنبال خود داشته باشد. سید علی قادری در کتاب «روح الله» که درباره زندگی امام خمینی نگاشته است، از این شیوه بهره جسته است.

پایان

## پی نوشت‌ها

- ۱- مدنی، سید جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر، دفتر انتشارات اسلامی قم، ۱۳۶۵
- ۲- نجفی، غلامرضا، تاریخ بیست و پنج ساله، نشر رسا تهران، ۱۳۶۹
- ۳- محمدرضا پهلوی، شاه ایران، (میشن فور می کانتری) این کتاب ترجمه انگلیسی کتاب «مأموریت وطن» می باشد، لندن، ۱۹۸۶ = ۱۳۴۷
- همچنین به کوشش: احمد پیرانی، مأموریت برای وطن (زندگی محمد رضا شاه پهلوی)، تهران، به آفرین، ۱۳۸۴.
- ۴- ساتن الوین، ایران در عصر رضا شاه، تهران بی تا.
- ۵- عظمت بازیافته تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۵۵
- ۶- لارودی نورالله، زندانیان اراک، بی تا بی جا.
- ۷- تفوشیان ابوالحسن، قیام افسران خراسان.
- ۸- خسروپناه، محمد حسین، سازمان نظامی حزب توده.
- ۹- تیموری ابراهیم، قیام تنباکو.
- ۱۰- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، کودتای نوزده، مؤسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی، تهران، ۱۳۶۶
- ۱۱- انصاری حمید، حدیث بیداری، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۰
- ۱۲- عاقلی، باقر، روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب، گفتار، ۱۳۷۲
- ۱۳- کرباسچی غلامرضا، هفت هزار روز، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، قم، ۱۳۷۲
- ۱۴- سعادت، پرویز، روزشمار انقلاب اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، سوره مهر، ۱۳۷۶
- ۱۵- برزگر، علیرضا، روزشمار جنگ تحمیلی عراق با جمهوری اسلامی ایران، انتشارات صدا و سیما، ۱۳۷۹
- ۱۶- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۶۸
- ۱۷- روز شمار روابط ایران و آمریکا، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه تهران، ۱۳۷۹
- ۱۸- امینی، علی، خاطرات علی امینی، مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد.
- ۱۹- قاجار، حمید، خاطرات سلطان حمید قاجار فرزند آخرین سلسله قاجار، مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد، مرکز خاورمیانه ۱۹۹۸ م
- ۲۰- بختیار، شاپور، خاطرات شاپور بختیار نخست وزیر ایران (۱۳۵۷)، مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد، تهران، زیبا ۱۳۸۰
- ۲۱- شریف امامی، جعفر، خاطرات جعفر شریف امامی لندن: دانشگاه هاروارد، مرکز خاورمیانه، طرح تاریخ شفاهی ایران، ۱۹۹۹ م
- ۲۲- مجیدی، عبدالمجید، خاطرات عبدالمجید مجیدی، مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد، ۱۹۹۸ م
- ۲۳- محتشمی پور، علی اکبر، خاطرات حجة الاسلام و المسلمین سید علی اکبر محتشمی پور دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۷۶
- ۲۴- موسوی بجنوردی، محمد کاظم، مسی به رنگ شفق، خاطرات سید محمد کاظم موسوی بجنوردی، انتشاراتی آفرینه، ۱۳۷۷ و همچنین موسوی بجنوردی محمد کاظم، خاطرات سید محمد کاظم بجنوردی، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۲۵- الویری، مرتضی، خاطرات مرتضی الویری، دفتر انقلاب اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵
- ۲۶- برایت اکبر، خاطرات دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
- ۲۷- ۱. مرتضی، میردار، خاطرات حجة الاسلام علی اکبر ناطق نوری، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲
۲. ناطق نوری، علی اکبر، خاطرات علی اکبر ناطق نوری مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲
- ۲۸- کیانوری، نورالدین، خاطرات نورالدین کیانوری، اطلاعات، ۱۳۷۱
- ۲۹- ۱. اسکندری، ایرج، خاطرات ایرج اسکندری، موسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۲ و همچنین یک ۲. اسکندری، ایرج، خاطرات سیاسی، علمی، ۱۳۷۶
- ۳۰- فردوست، حسین، (ظهور و سقوط سلطنت پهلوی)، اطلاعات، ۱۳۶۹
- ۳۱- جعفری شعبانی، خاطرات به کوشش هما سرشار، نشر آبی، تهران ۱۳۸۲.
- ۳۲- احمد، احمد، خاطرات احمد احمد، به کوشش محسن کاظمی، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی انتشارات سوره‌ی مهر، ۱۳۸۱
- ۳۳- شب‌های مهتاب، شهبازی به کوشش محسن کاظمی، دفتر ادبیات اسلامی، سوره مهر، تهران، ۸۳
- ۳۴- توکل یعقوب، کنکاشی در تاریخ نگاری معاصر در دست انتشار و همچنین ماهنامه فرمانده، دوازده سبک تاریخ نگاری.
- ۳۵- هوشنگ، مهدوی، عبدالرضا، انقلاب ایران به روایت رادیو بی بی سی، طرح نو، ۱۳۷۲

- ۳۶- توسعه در ایران، مرکز مطالعات زنان ایران - گفتگو با مجید گودرزی، عبدالمجید مجیدی، منوچهر فرمانفرمایان آمریکا.
- ۳۷- پهلوی، محمد رضا، پاسخ به تاریخ، تهران، نشر عارف، ۱۳۷۱.
- ۳۸- تفضلی، جهانگیر، خاطرات جهانگیر تفضلی، به کوشش یعقوب توکلی، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.
- ۳۹- محمد ری شهری، محمد، خاطرات سیاسی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۶۹.
- ۴۰- هایزر رابرت، ترجمه حسین ابو ترابیان، انتشارات اطلاعات تهران، ۱۳۶۴ ص ۸.
- ۴۱- کارتر، جیمی، خاطرات کارتر رئیس جمهوری پیشین آمریکا ( چهارصد و چهل و چهار روز ماجرای گروگان آمریکائی در ایران )، هفته، ۱۳۶۲.
- ۴۲- ژیسکاردستن، والر، قدرت و زندگی، تهران، پیک ترجمه و نشر، ۱۳۶۸.
- ۴۳- ۱. علم، امیراسدالله، و اثناء المذاکرات السریه لوزیر الایرانی (گفتگوهای من با شاه و محرمانه امیر اسدالله، قاهره، مدبولی، ۱۴۱۳ق. = ۱۹۹۳م. = ۱۳۷۲).
- ۴۴- شاه اند آی، (1991=1370). tauris.
- یادداشت‌های علم، تهران، معین، ۱۳۷۷.
- یادداشت‌های علم، تهران، کتاب سرا، ۱۳۷۲.
- یادداشت‌های علم، یزد، بهاباد، ۱۳.
- ۴۵- هاشمی رفسنجانی، اکبر، هاشمی رفسنجانی، کارنامه و خاطرات ۱۳۶۰، تهران، دفتر نشر فرهنگ انقلاب، ۱۳۷۸.
- هاشمی رفسنجانی، آرامش و چالش کارنامه خاطرات سال ۱۳۶۲، تهران، دفتر نشر فرهنگ انقلاب، ۱۳۸۱.
- دوران مبارزه خاطرات و تصویرها، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۶.
- ۴۶- حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان عراق، امیر کبیر، ۱۳۶۴.
- ۴۷- مدنی، جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
- ۴۸- مدنی، جلال الدین، تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰-۱۳۷۸.
- ۴۹- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، تاریخ روابط خارجی ایران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۰.
- ۵۰- آبراهامیان، ارواند، ایران بین دو انقلاب، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر، نشر نی، ۱۳۷۷.
- ۵۱- جعفریان، رسول، جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی سیاسی ایران سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱.
- ۵۲- نجفی، موسی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، تهران، موسسه مطالعات تاریخ ایران، ۱۳۸۱.
- ۵۳- خسروپناه، محمد حسین، سازمان افسران حزب توده ایران، نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۷۸.
- ۵۴- روزنامه اطلاعات ۱۳۵۶/۱۰/۱۷، به امضای رشیدی مطلق.
- ۵۵- تدوین مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، بزم اهریمن، (جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی به روایت اسناد ساواک و درباره)، وزارت اطلاعات، مرکز اسناد تاریخی، ۱۳۷۸.
- ۵۶- خسروشاهی، سیدهادی، تاریخ و فرهنگ معاصر. (نشریه).
- ۵۷- دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، شورای عالی فرهنگ ناموران معاصر ایران، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، سوره مهر، ۱۳۸۱.